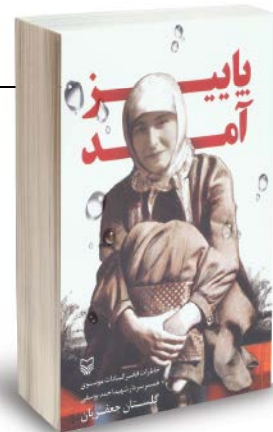


در نشست نقد و بررسی کتاب «پاییز آمد» مطرح شد؛

## انتخاب عجیب و غریب دختر ۱۶ ساله



به گزارش قفسه کتاب، نشست نقد و بررسی کتاب «پاییز آمد»

خاطرات فخرالسادات موسوی، همسر سردار شهید احمد یوسفی با حضور گلستان جعفریان، (نویسنده) سمیه جمالی (منتقد ادبی) و زینب زارع چهارمندان (مجری و کارشناس) در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد.

✚ کار در حوزه ادبیات پایداری سخت است

در این نشست گلستان جعفریان با اشاره به سابقه بیست و پنج ساله خود در حوزه نویسندگی ادبیات پایداری گفت: من از ۹ سالگی کتاب خوانده‌ام و می‌دانم کار در حوزه ادبیات پایداری سخت است.

حالا که از جنگ فاصله گرفته‌ایم، نوشتن از آن حساس‌تر شده چون مدعی بودیم که جنگ ما ایدئولوژیک بوده است. در چند کتاب اول خودم در مسیر حادثه‌پردازی حرکت می‌کردم ولی وقتی جلوتر رفتیم برخی از نویسندگان به خاطر تکرار در این حوزه از این وادی رفتند ولی این اتفاق برای من نیفتاد چون نگاه عمیق روحی به این حوزه دارم و مثل دین و مذهبیم به تکرار نیفتادم. البته راوی‌ها هم به خاطر ارزش‌ها به جبهه رفته‌اند و ما هم باید این نگاه را انتقال بدهیم.

من در چهار اثر آخرم دنبال این بودم تا این مفاهیم را تبیین کنم. در کتاب «همه سیزده سالگی‌ام» دنبال این بودم که دلیل این اعتقادات و انگیزه‌های ایثار و از خودگذشتگی را بررسی کنم. در کتاب «روزهای بی‌آینه» هم با سختی‌های یک زن و انتظارش برای شوهرش روبه‌رو هستیم و منیژه لشکری می‌گوید که جنگ، مثل

یک توفان بود که زندگی من را درنوردید. شخصیت خانم لشکری برای من پیچیده بود و تلاش کردم آن را کشف کنم. فخرالسادات موسوی هم در کتاب «پاییز آمد» مقابله منیژه بود و کاملاً در مسیر متفاوتی به یک مقصد رسیده بودند.

✚ یک دختر شانزده ساله چگونه دست به این انتخاب‌ها می‌زند؟!

فخرالسادات در ۱۶ سالگی با پاسداری ۲۴ ساله ازدواج می‌کند که مربی اسلحه‌شناسی است و می‌گوید من زنده نمی‌مانم ولی به‌رغم میل خانواده، این ازدواج را می‌پذیرد. من در جلسات نقد کتاب شرکت می‌کردم و می‌دیدم که جوان‌ها سؤالاتی دارند و ادبیات پایداری باید به این سؤالات پاسخ بدهد. ما باید به نحوی فلسفه را وارد ادبیات پایداری کنیم. من دنبال این بودم که یک دختر شانزده ساله چگونه دست به این انتخاب‌ها می‌زند.

✚ عشق فخرالسادات «احساسی» نیست

نگاه من در نویسندگی بیشتر در حوزه ادبیات پایداری شکل گرفت. وقتی برای کتاب‌های «نیمه پنهان ماه» انتشارات روایت فتح برای گفت‌وگو با سوزها می‌رفتم پایه‌پای آدم‌ها اشک می‌ریختم اما کم‌کم متوجه شدم که باید احساساتم را کنترل کنم و انرژی اصلی‌ام را برای نوشتن این کتاب‌ها هزینه کنم.

نوع نگاه فخرالسادات به زندگی متفاوت بوده و کلان‌نگر بوده و به همین دلیل عشقش هم احساسی نیست. وقتی در مسیر رشد قرار می‌گیری و چیزهایی زیادی از زندگی می‌خواهی احساس این عشق متفاوت می‌شود و می‌فهمی که در طرف مقابل دنبال چه چیزی هستی. ما در ادبیات پایداری باید دنبال فلسفه و سلوک شهدا

باشیم. من هر اتفاقی را در این کتاب نوشتم، دنبال آن زاویه و نگاه بودم و حتماً در پشت سر اتفاقات دنبال یک دلیل بوده‌ام. زاویه نگاه شهید یوسفی بسیار دقیق و ظریف است. من دنبال فلسفه ذهن باز و مدرن این شهید بودم و با هدفی این اتفاقات را کنار هم چیدم تا بگویم شهید یوسفی، وسیع‌المنظر بوده است. جالب است که این دو نفر، همدیگر را همان‌طور که هستند به رسمیت می‌شناسند.

ادبیات و حیات شرقی باعث می‌شود محدوده زندگی خصوصی افراد به‌سختی قابل دسترس باشد و اگر می‌خواهیم وارد این حیطه بشویم

باید برای آن برنامه مشخصی داشته باشیم. من در این کتاب دنبال این بودم که نیاز جامعه امروز را هم پاسخ بدهد.

✚ خواهش می‌کنم با دغدغه بنویسید  
احمد همه جا سطح زندگی و فرهنگ فخری را به رسمیت می‌شناسند ولی فخری خودش این نوع زندگی را می‌پذیرد و انتخاب می‌کند.

خواهش می‌کنم نویسندگان حوزه پایداری با دغدغه بنویسند. چون انتشار کتاب در این حوزه راحت‌تر است هرکسی نباید وارد این حوزه شود. کسی که در این حوزه کم‌کاری کند، خیانت کرده است.

فخرالسادات شجاعت کرد و قبول کرد کتابش چاپ شود و شکر خدا که پس از انتشار بازخوردهای خوبی گرفت و از این تصمیم راضی است. کاش فرزندان را تربیت کنیم که انتخاب‌های درستی داشته باشند و تا همیشه پای آن انتخاب‌ها بمانند.



## به جوان‌ها بگوییم «هدفتان را بزرگ انتخاب کنید!»

بگیرد. ارزش در آن است که مقدمات بیان بشود تا مسیر تغییرات بیشتر ملموس شود.

شاید به نظر برسد چون راوی مشخص است، شخصیت‌پردازی نیاز ندارد، در حالی که نویسنده باید شخصیت‌ها را انتخاب کند و بنا بر مصلحت، از این انتخاب‌ها استفاده کند. به نظر من شخصیت مامان‌لیا (مادر فخرالسادات) یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار است و نویسنده به خوبی این شخصیت را پردازش کرده است. دست‌اندازهایی که مامان‌لیا ایجاد می‌کند پیش‌برنده ماجراست. پدر فخرالسادات هم نقش کمی دارد اما غیر از احمد و فخری، داداش‌هاست که مُصر است و روی خواهرش تأثیرگذار است اما حفره آن در روایت دیده می‌شود و کاش اطلاعات بیشتری از او می‌داشتیم. این کتاب برای مردان هم قابل استفاده است که خوش‌رفتاری با زنان را بیشتر یاد بگیرند.

✚ با فرم‌های به‌روز و خواندنی بنویسید

چون خودم کار روایت یک همسر شهید را از حوزه داستان‌نویسی شروع کردم به‌عنوان یک نویسنده از نویسندگان این حوزه خواهش می‌کنم به این حرف که «خوانندگان این کتاب‌ها به خواندن متن‌های ساده عادت دارند» تن ندهند و نوشته‌های شان با فرم‌های به‌روز و خواندنی باشد. خوانندگان امروز، حرفه‌ای هستند و باید با فرم‌های تازه برای این مخاطب‌ها نوشت. وقتی در اثر، یک پیچیدگی می‌گذاری، مخاطب بعد از خواندن کتاب به فکر فرو می‌رود و این باعث می‌شود بیشتر در ذهنش باقی بماند.

انتخاب کنیم اما باید به آنها بگوییم هدف‌ها را بزرگ انتخاب کن. جوان در جزئیات نباید دست به انتخاب بزند بلکه باید کلیات را با در نظر گرفتن همه جوانب انتخاب کند. در انقلاب ۵۷ هم مردم ایران یک کلیت بزرگ را انتخاب کردند و حالا در این سال‌ها سختی‌هایش را هم تحمل می‌کنند.

در کتاب «پاییز آمد» هم مسیر انتخاب مطرح است و می‌بینیم که چقدر انتخاب‌ها می‌تواند به ما امکان دهند. همه کسانی که دنبال تغییرند باید مرانامه داشته باشند و ببینند حاضر به هزینه دادن برای آن هستند؟ کتاب‌های زیادی درباره یک همسر شهید نوشته شده است و من یکی از آنها را نوشته‌ام و وقتی باز هم سفارش جدیدی ارائه شد، گفتم باید سوزه جدید و راه جدیدی پیدا کنیم تا بتوانم در این حوزه بنویسم. این روزها مشغول خواندن کتاب «عصرهای کریسکان» هستم که با کتاب «برده‌سور» کاملاً متفاوت است، در حالی که نویسنده این کتاب‌ها جناب گلزار راغب بوده و فضای روایت‌ها هم یکی است، نویسنده راه خودش را پیدا کرده و با نگاه خودش پیش رفته است.

✚ تصمیم خانم جعفریان در احتیاط برای ورود به حریم خصوصی راوی، پسندیده است

به نظر من خانم جعفریان با احتیاط وارد حریم خصوصی راوی شده و کارش از این نظر بسیار پسندیده است. متأسفانه بعضی از میزبان‌ها این قضیه بد برخورد می‌کنند. فخرالسادات رمان‌های زیادی خوانده و نوع خاصی از درک زندگی داشته و باید شرایط قبل آن بیان شود تا تغییراتش مورد پذیرش قرار

✚ هدف‌های بزرگ باعث می‌شود افراد پای سختی‌ها بایستند

در این نشست، سمیه جمالی، نویسنده، شاعر و منتقد ادبی گفت: همان‌طور که خانم جعفریان گفتند، مسأله انتخاب، موضوع اصلی جلسه ماست. این که ما با انتخاب‌های خودمان دچار چه چالش‌هایی می‌شویم. فخرالسادات مادر متفاوتی داشته و دوست داشته داماد‌های متفاوتی داشته باشد اما این دختر دست به یک انتخاب ایدئولوژیک می‌زند. هم فخرالسادات و هم منیژه هر دو به نقطه جنگ رسیدند که زندگی‌شان را خراب کرده است.

انتخاب در این جریان معنا ندارد چون هیچ زنی سختی را انتخاب نمی‌کند. این هدف‌های بزرگ هستند که باعث می‌شود این افراد پای اتفاقات و سختی‌ها بایستند.

✚ باید به جوان‌ها بگوییم

«هدف‌ها را بزرگ انتخاب کن»

این روزهای کشور ما هم شباهت‌هایی به آن دوران دارد چون بحث «انتخاب» در میان است. جوان‌ها می‌گویند می‌خواهیم

